

پرتوجفتایی

روزنامهنگار

ایامتوجه شده‌اید همه آن چیزی که هستید یا خواهید بود بیشتر در نتیجه استفاده از ذهن تان است و اگر با خلاق تر و نوآور تر بودن کیفیت افکار تان را پیشرفت دهید، می‌توانید پیشرفت کاری بهتری را در یک سال نسبت به سایر افرادی که آن در ۱۰ سال به دست می‌آورند، کسب کنید؟

خلاقیت چیز ملموسی نیست که بتوانیم به آن دست بزنیم یا به زور صاحبش شویم، اما همه می‌دانیم خلاق بودن چه حال و هوایی دارد و چطور می‌تواند از شما کارمند یا کارفرمایی خاص تر و موفق تر بسازد. پس بهتر است که کمی دقیق شویم و دریابیم این نیروی راز گونه دقیقاً چیست؟

فرزند استعداد و سخت کوشی!

خلاقیت حاصل استعداد و سخت‌کوشی است. اکثر آدم‌ها به قدر کافی استعداد دارند، اما ضرورت سخت‌کوشی را دست کم می‌گیرند.

خلاقیت در این عبارت کوچک خلاصه می‌شود: «چه می‌شود اگر...؟» و در واقع فقط یافتن چیزی نیست، بلکه افریدن چیزی کار از آن دریافت است. به گفته «جیمز راسل» شاعر و نویسنده آمریکایی، انسان وقتی تحت‌تأثیر کنجکاوی قدم بردارد می‌تواند به خلاقیت برسد. او معتقد بود که برای آغاز خلاقیت باید پرسه‌زنی سرگردان شویم. این یعنی که نباید از گم کردن راه اصلی مان بترسیم. پس باید برای مان روشن باشد که آموختن خلاقیت، مثل آموختن هر مهارت دیگری، به تمرین نیاز دارد. خلاقیت در اصل هنری مهجور است و تلاشی مهجور تر. برای بعضی‌ها رحمت است و برای بعضی‌ها لعنت! اما در عالم واقعیت، خلاقیت توانایی دست یافتن به درون خود و برون کشیدن اندیشه‌ای ناب از عمق روح است. در ابتدا حواس تان باشد که اگر می‌خواهید در مسیر خلاقیت قدم بردارید باید اعتماد به شمع و شهود تان را یاد بگیرید. برای یافتن خلاقیت حقیقی باید به شهود تان و نه بر منطق تکیه کنید. خلاقیت به شاخک‌هایی نازک که برای احساس دنیا و پوستی کلفت برای حفاظت از خودتان در برابر انتقادها نیاز دارد. شاید تا به حال به مفهوم خلاقیت این گونه فکر نکرده باشید که خلاقیت یعنی شیوایی برای هستی. یعنی شما با خلق عملی در واقع شیوایی برای هستی و زندگی خود می‌بایید. خلاقیت یکی از نیازهای زندگی و قابلیت‌ای است که شما را از دیگر موجودات متمایز می‌کند. توانایی‌های خلاق، همچون سایر انواع هوش‌ها با اندازه‌های متفاوت در میان همه وجود دارد. آنچه به عهده شما واگذار می‌شود این

است که آن را شکوفا سازید و به خدمت خود بگیرید. امروزه یکی از خلاقهایی که در فرهنگ ما دیده می‌شود، مسئله بی‌توجهی به نوآوری، پدیدآوری و آفرینندگی است. این عامل جداکننده جوامع مترقی از جوامع عقب‌مانده است. امروزه بیشتر مؤسسات بزرگ استعدادهای خلاق را پرورش داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بخواهند در بازارهای جهانی رقابت کنند، باید هر چند وقت، محصولات‌شان را نو و جدید کنند تا مشتریان خود را از دست ندهند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف، درباره پرورش خلاقیت کار می‌کنند.

راهی برای بقا

خلاقیت یکی از داغ‌ترین کلمات در دنیای کسب‌وکار امروز است. بخصوص در روند جهانی شدن و توسعه سریع فناوری‌های نو، خلاقیت به مؤثرترین روش شرکت‌ها برای زنده ماندن و رقابت کردن در بازار جهانی تبدیل شده است. افزایش رقابت جهانی که با تغییرات سریع فناوری و کوتاه شدن چرخه عمر محصول پیوند خورده است، مؤسسات را نسبت به زمان گذشته آسیب‌پذیرتر ساخته است. بنابراین، این تغییرات باعث شده که سازمان‌ها توجه بیشتری به خلاقیت داشته باشند. سازمان‌های صنعتی امروزی، سازمان‌هایی دانش‌محور هستند و موفقیت و دوام آن‌ها به خلاقیت، نوآوری، کشف و ابداع بستگی دارد.

خلاقیت به‌عنوان نتیجه انعطاف‌پذیری ساختاری و قدرت نوآوری در موفقیت‌های سازمان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و سازمان‌هایی که درباره عوامل مؤثر بر موفقیت‌های سازمانی قصور ورزند برای بقای خود با مشکل روبه‌رو خواهند شد.

نقش مؤثر در زندگی سازمانی

امروزه خلاقیت قسمت مهم زندگی سازمانی را تشکیل می‌دهد زیرا تغییرات سریع همه‌جانبه جهان آنچنان محیط فعالیت سازمان‌ها را دگرگون کرده که سازمان‌ها و مدیران آن‌ها برای سازگاری با تغییرات و تحولات جهانی مجبورند راه‌های نویی برای اقدامات خود بیابند. بنابراین همه سازمان‌ها برای بقا نیازمند اندیشه‌های نو و نظرات بدیع و تازه‌اند. افکار و نظرات جدید همچون روحی در کالبد سازمان می‌دمد و آن را از فنا نجات می‌دهد، اما رقابت‌های فشرده و سخت، سلیقه و خواست مشتریان موجب پیش‌بینی ناپذیری امور سازمان‌ها شده است.

در چنین شرایطی برای حفظ ارتباط سازمان با مشتریان، از دست ندادن سهم بازار، تأمین نیاز و سلیقه مشتریان، دست یافتن به سهم مناسبی از بازار جهانی و توفیق در مبارزه با رقبا باید به اندیشه‌ها و راه‌های نو دست یافت. به همین دلیل امروز

بررسی موشکافانه

یکی از فاکتورهای مهم در کسب و کار

آگاهانه «خلاق» باش



کیفیت خدمات، کاهش هزینه‌ها، جلوگیری از اتلاف منابع، کاهش بوروکراسی، افزایش رقابت، افزایش کارایی و بهره‌وری، ایجاد انگیزش و رضایت شغلی کارکنان منجر شود. پرورش افراد خلاق و گسترش خلاقیت به وجود نمی‌آید مگر بر بستری مناسب که پرورش و رشد اندیشه‌ها را ممکن سازد و آن‌ها را به مرز آفرینندگی برساند. در پژوهش‌های انجام شده در سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف از جمله بخش‌های صنعتی و کشاورزی، مشخص شده است که عوامل سازمانی تأثیر زیادی در افزایش خلاقیت و نوآوری دارند و سازمان می‌تواند محیطی مطلوب برای پرورش این دواستعداد فراهم آورد. متأسفانه عدم وجود چنین فضایی در برخی شرکت‌ها، مهم‌ترین علت هدر رفتن توانایی‌های خلاق و نوآور است. تا زمانی که نتوانیم با شناسایی عوامل مؤثر بر خلاقیت و نوآوری

بستر مناسبی را فراهم آوریم، فعالیت‌های مقطعی در پرورش اندیشه‌های خلاق و نوآور سودی دربر نخواهد داشت و با توجه به محیط پرشتاب امروز، به سمت نابودی سوق داده خواهیم شد. شناخت عوامل مؤثر بر خلاقیت و نوآوری افراد در شرکت‌ها، می‌تواند کمک کند تا با تقویت آن‌ها، بستری مناسب برای پرورش و تعالی سازمان فراهم شود. بنابراین خلاقیت کارکنان عامل اثرگذاری در سازمان‌ها و نیازمند بررسی و مطالعه بیشتر است.

خلاقیت و نوآوری به‌عنوان یک میدان رقابتی جدید برای سازمان‌های توسعه محصول، شناخته شده و از مهندسان و طراحان محصول انتظار می‌رود علاوه بر اینکه شایستگی و لیاقت داشته باشند؛ خلاق، نوآور و مولد ایده‌های فراوان باشند. سازمان‌های موفق، سازمان‌هایی هستند که خلاقیت و نوآوری، نوک پیکان حرکت آنان را تشکیل می‌دهد. به عبارتی سازمان‌های امروزی برای ادامه حیات، بایستی پویا بوده و مدیران و کارکنان آن‌ها، افرادی خلاق و نوآور باشند تا بتوانند سازمان را با این تحولات منطبق ساخته و جوابگوی نیازهای جامعه باشند.

کلیدی برای موفقیت

می‌توان گفت در سیستم اقتصاد جهانی و رقابت روزافزون موجود، خلاقیت و نوآوری در حکم بقا و کلید موفقیت سازمان است، به طوری که نبود خلاقیت و نوآوری را برابر با نابودی سازمان دانسته‌اند. سازمانی که خلاقیت و نوآوری نداشته باشد، نمی‌تواند بقا یابد و در طول زمان از صحنه محو می‌شود. از این رو سازمان‌ها پیوسته در جست‌وجوی راه‌هایی هستند تا خلاقیت و نوآوری را (هم در سطح فردی و هم در سطح سازمانی) تقویت کرده و مانع آن را در سازمان بر طرف کنند، زیرا افزایش خلاقیت در سازمان می‌تواند به ارتقای کمیت و

لنگرگاه

یک دریاچه رمز آلود



«دریاچه ارواح» یکی از برجسته‌ترین مکان‌های دیدنی شهر نوشهر در استان مازندران است. این دریاچه در میان مردم محلی این شهر با نام «دریاچه «ممرز» شناخته می‌شود، اما به دلیل قرار گرفتن در ارتفاعات جنگلی و دور از دسترسی به نسبت سایدیدنی‌های این منطقه، هنوز بکر و دست‌نخورده باقی مانده است. درختان کمر شکسته، وجود مه و آب باتلاقی این دریاچه، فضایی وهم‌آلود در این منطقه ایجاد کرده‌اند. به همین خاطر این جاذبه طبیعی را به‌عنوان یکی از اسرارآمیزترین نقاط دیدنی شمال ایران می‌شناسند. درختان ممرز این منطقه به دلیل قرار داشتن در جوار آب در طول سالیان متوالی پوسیده‌اند و دلیل شکستگی درختان از تنه نیز همین است. شاید این سؤال برای شما پیش بیاید که دلیل این نام‌گذاری چیست. افسانه‌های زیادی پشت نام این دریاچه وجود دارد. اگر از مردم قدیمی و محلی آن طرف‌ها درباره ماجرای اسم‌گذاری دریاچه ارواح پرسید، داستان‌های جالب و شنیدنی زیادی برای تعریف دارند، اما تاکنون سکانس روستا ارواحی را در این دریاچه ندیده‌اند و دلیل آن را می‌توان منظره این دریاچه دانست؛ چرا که درختان مرده تالاب در کنار مه‌آلود بودن جنگل و صدای حیوانات، حالتی مرموز به آن داده است. دریاچه ارواح نوشهر در مسیر شهر نور به نوشهر، ۴۷ کیلومتری نوشهر و در نزدیکی روستای «صلاح‌الدین کلا» قرار دارد. اگر به ماجراجویی در نقاط بکر و دست‌نخورده طبیعی علاقه دارید، می‌توانید برای پیک‌نیک در اطراف دریاچه ارواح کمپ کنید. به خاطر داشته باشید وضعیت آب‌وهوای این منطقه را استعلام کنید و در صورت مناسب بودن شرایط، تمام وسایل مورد نیاز خود را همراه ببرید زیرا در این منطقه هیچ امکاناتی وجود ندارد.

کاروبار

کسب در آمد خانگی با ترمه بافی



«ترمه‌بافی» از هنرهای شناخته شده و قدیمی در سرزمین ما به شمار می‌رود. هنر ترمه‌بافی که در اصل در استان یزد ریشه دارد، در تمام ایران از محبوبیت ویژه‌ای در بین بانوان برخوردار است. این هنر به گونه‌ای است که بسیاری از زنان می‌توانند در منزل نیز به آن بپردازند و با آن کسب درآمد کنند. ترمه‌بافی در خانه می‌تواند به صورت پاروقت انجام شده و درآمدزا باشد. هنر ترمه‌بافی در زندگی روزمره کاربرد فراوانی دارد. انواع رومیزی، لباس، روتختی و... را می‌توان از پارچه‌های رنگارنگ ترمه درست کرد. از آنجایی که ترمه پارچه‌ای نفیس و اصیل است و نسبت به سایر پارچه‌ها قیمت بالاتری دارد، ترمه‌های دست‌باف همیشه مشتریان و طرفداران خود را دارد. ترمه‌های ماشینی نیز اغلب ابریشمی هستند و در اندازه‌ها و طرح‌های متفاوت بافته می‌شوند. ارزش ترمه‌های ماشینی را مقدار تراکم و کیفیت الیاف آن‌ها تعیین می‌کند. روش ترمه‌بافی این گونه است که بر روی پارچه‌انواع طرح‌های سنتی با سرمه و تراشه تزیین می‌شود. این کار با صرف هزینه‌ای اندک با استفاده از یک دستگاه خانگی و آموزش ساده انجام می‌گیرد. قیمت دستگاه ترمه‌بافی خانگی برای انجام سرمه‌دوزی چندان بالا نیست. الیاف زربفت که در داخل پارچه‌های ترمه به کار می‌رود را می‌توان از بازار خریداری کرد و تولید را آغاز کرد. در ادامه و پس از آنکه با استفاده از خلاقیت و سلیقه ترمه‌های مختلف بافته شد، می‌توان با شیوه‌های بازاریابی متعدد مانند استفاده از شبکه‌های اجتماعی، اپلیکیشن‌های فروش صنایع دستی، فروش میدانی و... مشتریان آن را پیدا کرد و خیلی زود به درآمد رسید.

راهکار

قفس شبکه‌های اجتماعی



زمان کودکی دهه شصتی‌ها و قبل از آن، خبری از شبکه‌های اینترنتی رنگارنگ نبود. البته شبکه‌های اجتماعی و مجازی محدودی وجود داشتند و بسیاری از مردم نیز از آنها استقبال می‌کردند، اما داستان به هیچ‌وجه به گسترده‌گی وضعیت کنونی نبود. در دهه گذشته، نمی‌توانستیم ثانیه به ثانیه با هر نقطه‌ای از جهان ارتباط داشته باشیم، اما الان همه چیز فرق کرده است. بسیاری از مایه شدت به فضای مجازی وابسته شده‌ایم. تقصیر ما هم نیست! چون تقریباً انجام هر کاری با این گوشی‌های کوچک امکان‌پذیر شده است. در کسری از ثانیه از حال دوستان و خانواده باخبر می‌شویم، هر فیلم و آهنگی که بخواهیم در دسترس مان است. برای آموزش، ارتباط، تفریح و تقریباً همه چیز، تنها کافی است به اینترنت متصل شویم و راحت به خواستمان برسیم. چنین وضعیتی همان طور که بسیار باب دل و جان ماست، با نگاهی دقیق تر نگران‌کننده نیز هست. زیرا به نوعی اسیر قفسی شده‌ایم که فناوری برای مان به ارمغان آورده است. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی حاصلی جز اتلاف وقت و هزینه برای مادر بر نخواهد داشت. پس بهتر است با انجام چند راهکار ساده خود را از شر این اعتیاد خلاص کنیم. در ابتدا باید اعتیاد خود را بپذیریم و بخواهیم که آن را از بین ببریم. سپس در گام بعدی اطلاعاتیه‌ها یا همان نوتیفیکیشن‌های شبکه‌های اجتماعی را خاموش کنیم. راهکار دیگری که بسیار مؤثر است محدود کردن زمان استفاده از این شبکه‌هاست. همچنین یافتن سرگرمی‌های جدید، غنی‌سازی روابط واقعی، تمرکز بر فعالیت‌های مثبت، وقت گذراندن با خانواده، خواندن کتاب و... از دیگر راه‌های مقابله با این اعتیاد است.

برگی از ادبیات

«پوچی» یک ستیزه‌دائم

همواره زمانی فرامی‌رسد که باید میان تماشاگر بودن و عمل یکی را برگزید. این معیار انسان شدن است. از هم گسیختگی هادشست‌بازند و قلب بی‌باک گرفتار تردید نمی‌شود. ما به امید آینده زندگی می‌کنیم؛ به امید «فردا»، «بعدها»، «هنگامی که دستت به جایی بند شد»، «وقتی پا به سن گذاشتی خودت می‌فهمی». این تردیدها لذیذترین زیراهمگی به مرگ می‌انجامند، چون سرانجام روزی فرامی‌رسد که انسان جوانی خود را در می‌یابد و می‌گوید ۳۰ ساله شده است. درست در همین هنگام است که خود را در موقعیت زمانی می‌بیند، در آن جایگزین می‌شود، در می‌یابد که دیگر باید خط منحنی را ببیماید، به زمان وابسته شده است و میانه گرداب هراس، بدترین دشمن خود را شناسایی می‌کند. فردا، او آرزوی فردا را دارد در حالی که باید با تمامی وجودش از آن بگریزد و این عصبان نفسانی همان پوچ است. احساس پوچی نه زاده رویدادی ساده با گونه برداشت که برآمده از مقایسه میان شرایط رویداد و واقعیت است و مقایسه میان کنش و دنیایی که آن را در میان گرفته است. پوچ به ناگزیر گسستن پیوند هاست. پوچ نه در خود رویداد و نه در واقعیت و نه در هیچ‌یک از عناصر قیاسی وجود ندارد. پوچ از مقایسه آن‌ها زاده می‌شود. انسان پوچ جز اینکه همه چیز را به ناتوانی بکشد و خود نیز در مانده شود کاری نمی‌کند. پوچی آخرین کشش اوست و موجب می‌شود به کوشش فردی روی آورد، زیرا در می‌یابد این خودآگاه و عصبان روزمره تنها بیانگر یک حقیقت، یعنی کشمکش و ستیزه است و این نخستین بازتاب پوچی است. انسان پوچ در پی توضیح و حل دشواری‌ها نیست و تنها به دنبال آموذن و تفسیر کردن است.

از کتاب «افسانه سبز یف» نوشته آبر کامو

گذرگاه تاریخ

چالشی به نام

«کاهش روابط اجتماعی»

دوران بازنشستگی فراز و فرودهای زیادی به همراه دارد و همواره فرد بازنشسته را دچار چالش‌های متعدد می‌کند. یکی از این چالش‌ها برای فرد کاهش روابط اجتماعی است که در محل کار با همکاران خود داشته و حالا با گذاشتن به بازنشستگی آن ارتباطات را از دست داده است. پس افرادی که به تازگی بازنشسته شده‌اند باید سعی کنند نیاز به اجتماعی بودن که محیط کارشان برای آن‌ها تأمین کرده بود را با روش‌های دیگر ارتباط اجتماعی جایگزین کنند. میزان ارتباط و تعامل اجتماعی خارج از محیط کار این بازنشستگان بستگی به این دارد که آیا از دواج کرده‌اند، فرزند یا نوه دارند و آیا به خواهر یا برادر خود برای حمایت اجتماعی اعتماد دارند. برای اینکه احساس تعلق به اجتماع داشته باشید، باید روش‌های متفاوتی را برای ارتباط و لذت بردن از وجود خانواده، دوستان و آشنایان استفاده کنید.

مطالعاتی تحت عنوان (حالات نوبت من است) توسط سایمون فریزر در مرکز تحقیقات علم پیری شناسی در برنایی، به این نتیجه رسید که شادترین سالمندان آن‌هایی هستند که مشارکت اجتماعی دارند. آن‌ها عضو گروه‌های فعالی در اماکنی چون کلیساها، باشگاه‌ها و غیره هستند. سرپرست این پژوهش به این نتیجه رسید: «اینکه فرزندان را چندوقت یک‌بار می‌بینی مهم نیست، مهم این است که در چند نقطه جهان برای خودت کسی هستی.» برای اکثر بازنشستگان ایجاد و حفظ دوستی‌های بزرگ کلید ایجاد حس اجتماعی بودن و به تبع آن سلامت اجتماعی، احساسی و جسمی است. چندین مطالعه تحقیقاتی به این نتیجه رسیدند که افرادی که با دیگران رابطه صمیمی برقرار می‌کنند شادتر و سالم‌ترند و طولانی‌تر زندگی می‌کنند. از سویی دیگر، افراد تنها که یا دوستی ندارند یا تعداد بسیار کمی دارند، شانس بیمار شدن یا مرگ زودرس برای آن‌ها بالا می‌رود. «تیتوس مک کوپیس» نمایشنامه‌نویس رومی که آثارش شکسپیر و مولیر راتحت‌تأثیر قرار داده، این گونه گفته است: «ثروت تو جایی است که دوستان ات هستند». به عبارت دیگر هر چه افراد بیشتری به اینکه شما صبح از خواب برمی‌خیزید یا نه اهمیت دهند، احساس توانگری بیشتری خواهید داشت. مصداق این جمله را در زمان بازنشستگی تان متوجه خواهید شد.

جنگلی در میان رودخانه - شهر جای ارومیه



زادبوم

من فهمیده‌ام که...

اگر تا فردا کاری را که می‌خواهم انجام دهم به تأخیر بیندازم، هرگز انجامش نخواهم داد.

رواق

یکی از اولین موارد استفاده از اثر به عنوان ماده بیپوشی برای عمل جراحی - ۱۸۶۰



یادنگاره